

با دست اندرکاران سریال خورشید بر خاک

مقدمه:

چندی پیش شاهد بخش سریال مذهبی (خورشید بر خاک) از شبکه دوم سیما جمهوری اسلامی ایران بودیم. سریالی که حدود ۹ قسمت آن بخش گردید و به علت پایان یافتن ماه محرم و صفر ادامه آن بخش نشد. در طول تصویربرداری سریال - سرنگار ماطلی چندین روز مداوم در شهرک سینمایی حضور پیدا کرد و با دست اندرکاران این مجموعه به گفتگو نشست. از آنجایی که این گفتگوها می تواند به نوعی روند برنامه سازی - مشکلات و نگاههای آن را مطرح کند، اقدام به دوج آنها کردیم. **دکتر** یک نکته ضروری است و آن

هم بی برنامه‌گی و ناهماهنگی در طراحی و ساخت یک مجموعه است که حتی نیمه کاره بخش می شود، مجموعه‌ای که هزینه زیادی از بیت‌المال را مصرف می کند و نهایتاً با بخش نامناسب و نیمه کار بودن آن، تماشاچی را نیز حیران و سرگردان می کند. آن چیزی که بیشتر هنرمندان این سریال نیز مطرح کرده اند، برآستی مگر برنامه ریزان شبکه دوم نمی دانند که هر سال دهه فجر، ماه رمضان، ماه محرم و سایر مناسبت‌ها را در پیش داریم؟ چه ضرورتی دارد درست یک هفته ماه مانده به محرم با عجله و دستپاچگی اقدام به ساخت سریالی بشود که در نهایت نازده مناسبی ندارد؟ بحث درباره کیفیت سریال همانند برای بخش مجله آن

مجید جعفری

پیش از این شما را در نمایش موفق معرکه در معرکه دیده بودیم. آیا تصمیم دارید کار تئاتر را ادامه بدهید؟

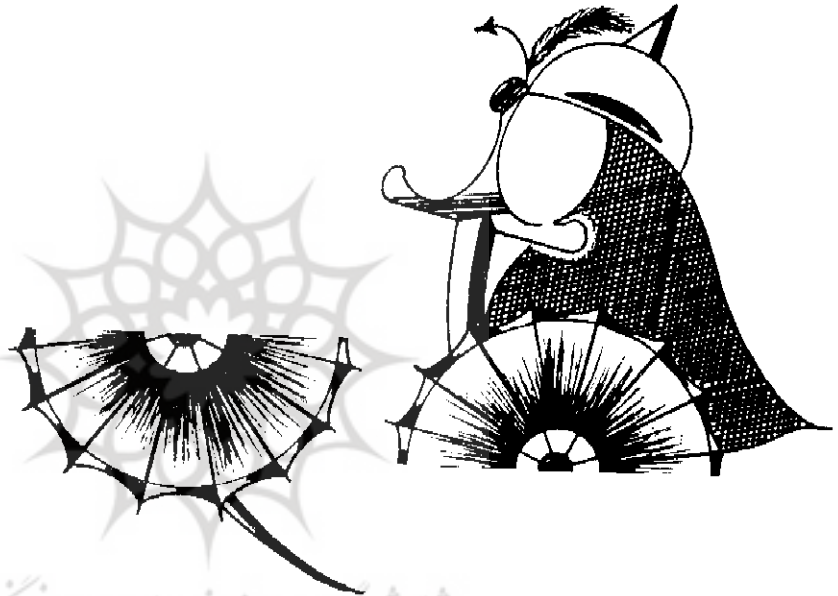
■ من هم مثل دیگر بازیگران تئاتر، که آنجا را خانه اصلی خود می دانم، در مورد تئاتر تعصب خاصی دارم. تئاتر اصولاً یک هنر مظلوم است. امسال استقبالی که از جشنواره تئاتر فجر شد، حرکت خوبی بود که حتی در سینما این استقبال انجام نگرفت. در مورد معرکه در معرکه، کار خوبی بود و تجربه ارزشمندی برای گروه اول، من رها بود. همه خیر در تئاتر و سینما از سازبو و نوشته آغاز می شود هر چند متن قوی باشد. دست بازیگران بازر است. طبیعی است که دست کارگردان هم بار باشد. حسن دیگری که معرکه در معرکه دارد بازگشت به سنت‌ها و آداب و سنن ماست. چیزی که جوان‌های ما کم کم نسبت به آن دارند سگانه می شوند.

شاخص ترین کارهایی که داشتید می توانید نام ببرید؟

■ در تمامی تئاترهایی که کار کرده‌ام. راضی هستم، اما در سینما نه، خیلی‌ها را راضی نبودم. از اجاره نشین‌ها به دلیل زسای نقش و کارگردانی عالی آن. سرزمین آرزوها به خاطر نقش خوبی که داشتم. شاخه‌های بید به خاطر کارگردانی آن.

اگر قرار باشد ۱۰ فیلم، ۱۰ کارگردان و ۱۰ بازیگر مورد علاقه تان را نام ببرید؟

■ مهرجویی، تقوایی، کیمیایی، مخملباف، کیارستمی، بیضایی، عیاری، حانسی کیا، واروژ کریم مسیحی، کامران شیردل کارگردان‌های مورد علاقه من هستند. گاو، آقای هالو، هامون، گوزن‌ها، خانه دوست کجاست، دستفروش، رنگار، ناخدا خورشید، آن سوی آتش، از کرخه تا راین، خاکستر سبز و سریال دایی جان نابلتون. فیلم‌های مورد علاقه من هستند. بازیگرانی چون نظامی، عدی، شکیبایی، معتمد آریا، سوسن تسلیمی و ماهایا بطورسان مورد علاقه من می باشند.



رضا رویگری بازیگر

■ من از سال ۶۶ تا نمایش عمادتی بر مصیبت حسین بن منصور حلاج نوشته و کار خادم خجسته کیا کارم را شروع کردم. باز به کسی بود که در آن نمایش اواز بخواند. چون از صدای من خوششان آمده بود، در آن کار بازی کردم. تا به حال حدود ۲۷ سال است که کار می‌کنم. در ۴۰ سانس صحنه‌ای و ۲۳ فیلم سینمایی و حدود ۱۰ سریال تلویزیونی بازی کرده‌ام.

شما نقش نوفل را در این سریال بازی می‌کنید؟ نظرتان در مورد این نقش چیست؟

■ نوفل یکی از کسانی است که طرفدار سعه است. اهل بیت را دوست دارد و وقتی که به او بسنهاد جاسوسی می‌شود نمی‌خواهد قبول کند، از سویی به شدت عاشق دختری است به نام ربیعه، این عشق به صورتی که بسنهاد جاسوسی را از طرف پدر ربیعه می‌پذیرد، به کاروان امام (ع) می‌پیوندد و در نهایت در مدتی که آنجاست پی به اشتباه خود می‌برد و دست از جاسوسی بر می‌دارد و سرانجام نیز ربیعه به کاروان امام (ع) می‌پیوندد و خطبه عقد ربیعه و نوفل توسط امام (ع) خوانده می‌شود.



طبق معمول با معرفی خودتان و سوابق کاری شما آغاز می‌کنیم؟

آیا در پایان اگر حرفی دارید؟

■ در تئاتر کار کمندی کرده‌ام، خیلی دلم می‌خواهد در سینما نیز در یک فیلم کمندی بازی کنم. طنز را دوست دارم.

سیماک اطلسی بازیگر

□ اولین سؤال درباره حضورتان در این سریال است؟

■ سال گذشته کاری با آقای مختاری داشتیم. با توجه به اینکه آن کار برای دهه محرم بود. شور و هیجان خاصی داشت و من بعد از خواندن فیلمنامه نقش پیشنهادی را پذیرفتم و مسئله مهم دیگری که در این کار مطرح بود، ارادتی که شخصاً به آقا امام حسین (ع) داشتم و با استقبال بازی در این سریال را پذیرفتم.

□ چه نقشی داشتید، کمی درباره شخصیتی که بازی می‌کنید بگویید؟

■ سهیل بن عبدالله، آدمی است که وضع مالی خوبی داشته است، مغرور می‌شود، زن و فرزند را فراموش کرده و به دنبال کبوتر بازی می‌رود و خوش گذرانی. زن و بچه‌اش در اثر طاعون می‌میرند و او بی تفاوت است. به تدریج سرمایه خود را از دست می‌دهد و زیر بار قرض می‌رود. به زندان می‌افتد. به او کمک می‌شود تا از زندان بیرون بیاید و قرض‌هایش داده می‌شود، بعدها می‌فهمد که این کمک از جانب امام حسین (ع) بوده است. حرکت می‌کند برای دیدن امام (ع) و بعد در کنار او می‌ماند.

□ در پایان...؟

■ جزو شهدای کربلا می‌شود.

□ بیشتر شما را دیده‌ایم که در نقش‌های متفاوتی بازی می‌کنید؟

■ همیشه این‌گونه بازی را دوست دارم، نقش‌هایی که متفاوت باشد و دلم می‌خواهد در کار بازیگری هرگز خودم را تکرار کنم.

□ اگر قرار باشد ده فیلم و ده کارگردان و ده بازیگر زن و مرد مورد علاقه‌تان را انتخاب کنید؟

■ من برای تمام فیلمسازان که در این شرایط با کمترین امکانات فیلم می‌سازند، ارزش قائل هستم. همینطور بازیگران، نمی‌توانم اسم ببرم.

□ ظاهراً شما در سال ۷۳ به عنوان بازرسی خانه سینما فعال هستید، کمی درباره این تشکیلات بگویید؟

■ خانه سینما رسماً از طرف وزارت ارشاد و نهادهای دولتی موجودیت پیدا کرده است. و صفوف مختلف سینمایی در آن فعال هستند. این تشکیلات بخشی از بودجه‌اش از دو درصد فروش کلیه فیلم‌های سینمای ایران تأمین می‌شود. از این تمام گروه‌های شکل دهنده هیأت مدیره انتخاب می‌شود.

□ در این سریال تلویزیونی با تعداد زیادی از هنروران و بدل‌کاران هم مواجه هستیم، اینها نیز در تشکیلات شما جایی دارند؟

■ معمول بررسی هستیم که این فشر زحمت‌کش نیز بتوانند اعلان موجودیت کنند تا به نوعی زیر پوشش خانه سینما بروند.

□ حالا که مسئله سینما مطرح شد، فکر می‌کنم سینمای ما خیلی یکنواخت است؟

■ تا حدی درست است، البته بیشتر برمی‌گردد به جنبه سیاست‌گذاری در سینما که آن هم یک مسئله احتساب‌ناپذیر است.

□ منظورتان چیست؟

■ در طی این دوازده سال، سینمای ما حرکت کرده است. گام‌های مثبتی برداشته و یکی از دلایل آن جلوگیری از فیلم‌های مبتذل است.

و من به ایران بازگشتم. فیلمنامه‌ای را نوشته بودم که حدود یکسال کار برده بود، وقتی برای تصویب ارائه کردم، بدون آنکه دلیل روشنی برای من عنوان کنند، آن را رد کردند و نتوانستم کار کنم.

□ در چه نمایش‌هایی تا به حال بازی کرده‌اید؟

■ اولین کارم با زنده‌یاد هادی اسلامی در نمایش زیرگذر لوطی صالح بود و آخرین کار صحنه‌ای که بازی کردم نمایش حلاج و سلاطین به کارگردانی آقای حسین نصری بود که در سالن اصلی تئاتر شهر در اوایل سال ۷۳ به صحنه رفت.

□ چطور شد که در این سریال بازی کردید؟

■ از شروع فیلمبرداری سریال حدود دو هفته‌ای گذشته بود و ظاهراً بازیگری برای بازی نقش (ربیع) انتخاب نشده بود. توسط یکی از بازیگران معرفی شدم و پس از خواندن متن، احساس کردم نقش خوبی است و جای کار دارد، برای همین پذیرفتم.



□ در مورد نقشی که بازی می‌کنید نظرتان چیست؟ همینطور در مورد سریال خورشید بر خاک؟

■ ماجرای کربلاست و اولین بار است که با قصه جدیدی برخورد می‌کنم. قصه آدم‌هایی که در حاشیه این ماجرا مطرح می‌شوند و این داستان با سایر آثاری که در این باره کار شده بوده، از نظر من متفاوت بود. از سویی ربیع کسی است که در این سریال در بحث‌های زیادی شخصیت متضاد با حالت زمانه خود دارد، لباس مردانه می‌پوشد و در دل خطر و ماجرا حضور پیدا می‌کند. و در واقع نقشی دگرگون دارد. شخصیت ربیع افت و خیزهای متفاوتی دارد که شوام با ایشان، فداکاری و قدرت فوق‌العاده است.

□ تئاتر ایران را چگونه می‌بینید؟

■ در یک کلام، تئاتر ایران فاصله فوق‌العاده زیادی با تئاتر جهان دارد، چه از نظر تکنیک و چه از نظر هنری.

□ نقش زنان را در تئاتر و هنر چگونه ارزیابی می‌کنید؟

■ خوشبختانه فضا و محیط کاری برای خانم‌ها نسبت به گذشته خیلی خوب است و در قیاس با خیلی از کشورها خیلی خوب است.

□ حداقل چند کارگردان و فیلم مورد علاقه‌تان را نام ببرید؟

■ چند فیلم برای من همیشه ماندنی‌اند، مثل چریکه تارا، آن‌سوی آتش و دوران سربیی. و از میان کارگردان‌ها، کار کردن با بیضایی در فیلم‌های سفرو، چریکه تارا و شاید وقتی دیگر با خسرو معصومی در فیلم‌های دوران کودکی. ملاقات، دوران سربیی، جای پای قدیر و دو فیلم یک بلیط با آقای داریوش فرهنگ و آن‌سوی آتش با کیانوش عیاری برایم جذاب بوده است.

شراره یوسف‌نیا بازیگر

□ کمی درباره خودتان بگویید؟

■ شراره یوسف‌نیا هستم، تحصیلات من در زمینه کارگردانی سینماست. در سال ۱۳۶۹ فارغ‌التحصیل شدم. در دوران کودکی در تئاتر بازی کرده‌ام. بیشتر در کشورهای اروپایی و کارهایی از چخوف، گورکی و شکسپیر. اولین کارم در خارج از کشور شب دوازدهم اثر شکسپیر بود که به جای سه نوجوانی بازی می‌کردم. درگیر و دار آماده کردن یک فیلم سینمایی بودم که خورد به فضاییای موشک باران تهران

بهمن روزبهرانی بازیگر

لطفاً خودتان را معرفی کنید.

■ بهمن روزبهرانی هم، متولد ۱۳۲۸ قزوین و بزرگ شده کرمانشاه پس از پایان تحصیلات در سال ۱۳۴۶ به تهران آمدم و در بروی هوایی استخدام شدم. در ضمن خدمت ناگذراندن دوره شبانه روزی به اخذ درجه افسری نائل شدم و در تمام این مدت علاقه مندی به بازیگری و تئاتر را از دوران دبیرستان تا اخذ درجه حفظ کردم. و شاید همین علاقه شدید بود که جزء قلیل کسانی بودم که از طریق ستاد مشترک اجازه داشتم ضمن خدمت در نظام به صورت حرفه‌ای کار هیرام را ادامه دهم. و در سال ۶۷ با درجه افسری بازنشسته گشتم.

از فعالیت‌های هنری‌تان بگوئید؟

■ بعد از پیروزی انقلاب سه اتفاق آقای مصطفی رحماندوست فقه‌ای به تلویزیون همدان دادیم که البته کار نبود. در سال ۵۸ در تهران بوسیله برادر آقای منایخی به ایشان معرفی شدم و در نمایش ادیپوس شهریار نوشته سوفوکل به کارگردانی آقای جمشید ملکن پور به اتفاق آقایان کشاورز، والی و مرحوم هادی اسلامی و دیگران که به خاطر من نیست بازی کردم و این اولین کار حرفه‌ای ام محسوب می‌شد و بعد از آن در بک مجموعه تلویزیونی که نوشته و کار آقای جهانگیر الماسی بود شرکت کردم و بعد با دو مجموعه دیگر به فعالیت در تلویزیون ادامه دادم. چند سالی هم هست که دست به قلم برده‌ام و بعد از هفت سال اولین فیلمنامه به نام آرزوی بزرگ سال گذشته تصویب شده و آقای خسرو شجاعی آن را کار کردند و فیلمنامه‌ای هم داریم که قرار است به صورت بک مجموعه ۱۳ قسمتی برای تلویزیون ساخته شود و بک نسخه سینمایی هم از آن تهیه شود. و فیلمنامه‌ای هم جدیداً تصویب شد. به یاد فرائز از عشق.



آقای روزبهرانی چگونه به سینما راه پیدا کردید؟

■ سال ۶۳ بود، در نالار محراب، نمایشی که نوشته خودم، به کارگردانی آقای اسماعیل سلطانبان بود، اجرا می‌کردیم. آقای محملاف که در سالن بودند

برای بازی در فیلم بابکوت مرا انتخاب کردند و از آن سال به سینما راه پیدا کردم.

چطور شد که به این سریال دعوت شدید و چه شخصیتی را بازی می‌کنید؟

■ سال قبل به دعوت آقای مختاری برای بازی در سریال حماسه ایثار دعوت شدم ولی به خاطر دلمشغولی که داشتم و آن هم نوشتن همین فیلمنامه «فرائز از عشق» بود نتوانستم در آن کار بازی کنم. امسال دعوت شدم و پذیرفتم.

شخصیتی در سریال هست به نام عبدال... این عمیر، این شخصیت ورزش از یاران و همراهان دائمی امام هستند. همسر عبدال... اصلاً شرط ازدواجش با او را همراهی همیشگی با حضرت زینب (س) می‌گذارد و عبدال... هم می‌پذیرد. آن‌ها تا محل فاجعه کربلا همراه امام هستند و جزء شهدای کربلا می‌باشند.

آقای روزبهرانی تاکنون در قالب شخصیت‌های زیادی بازی کرده‌اید. کدام شخصیت را بیشتر می‌پسندید؟

■ در سریال هشت بهشت نقشی داشتم که با وجود اینکه منفی بود ولی برایم جالب بود و در این سریال هم برای اولین بار نقش مثبت گرفته‌ام و این سریال جذابیت زیادی دارد.



علیرضا صادقی یگانه نورپرداز

را خسته نباشید.

■ متشکرم. (با خنده می‌پرسد نوبت منه؟)

می‌گویم اگر دوست داشته باشی؟

■ (با خنده می‌گوید). به شرطی سوال‌هایت اطلاعاتی نباشد.

می‌پرسم - یعنی چه جووری نباشد؟

■ می‌گوید. مثلاً نپرسی نامت. شماره شناسنامه‌ات و

(هر دو می‌خندیم و هر سه کارگر صحنه هم که کنارمان هستند می‌خندند).

می‌گویم. نه خیلی ساده لطفاً خودت را معرفی کن؟

■ علیرضا صادقی یگانه هستم. متولد سال ۱۳۳۰.

مختصری از فعالیت‌هایت بگو؟

■ در سال ۵۴ از مدرسه تلویزیون در رشته فیلمبرداری فارغ‌التحصیل شدم ولی از سال ۶۷ به خاطر اینکه به کار نورپردازی علاقه داشتم به واحد نور سینمای جمهوری اسلامی آمدم و شدم نورپرداز. البته تا سال ۶۶ نورپردازی در تلویزیون کلاً در شبکه اول بود یعنی هر دو شبکه یک واحد نور داشتند و بعد تفکیک شد و حالا حدود ۳ ماه است که از شبکه اول به شبکه دوم آمده‌ام.

از نورپردازی کارهایی که تاکنون کرده‌اید کدام را می‌پسندید؟

■ هر کس سعی می‌کند در کاری که به او محول می‌شود تلاش خودش را به نحو احسن انجام دهد چون به هر حال نامش بای کار نوشته می‌شود و فکر نمی‌کنم کسی حاضر باشد در یک مجموعه، کارش را به نحوی انجام دهد که حداقل خودش را راضی نکند. اما از کارهایی مثل سریال آئینه - این شرح بی‌نهایت - شاخه طوبی - هادی و هدا و خونه مادربزرگه بیشتر راضی هستم - به خصوص شاخه طوبی و سریال آئینه.

آیا تا به حال بیرون از شبکه هم کار کرده‌اید؟

■ برای فیلم سینمایی خیر - ولی با حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی در چند سریال همکاری داشته‌ام. مثلاً یک سریال شش قسمتی بود به نام گدایان تهران کار آقای محمد کاسبی که هم نورپردازی کردم و هم فیلمبرداری. البته دو قسمت آن را دوستان گرفته بودند و من از قسمت سوم شروع کردم. و کار دوم هم حدود دو سال پیش به نام قصص قرآن بود که کار کروماکی بود (یعنی روی ماکت کار می‌کردیم). در این سریال فقط نورپرداز بودم.

نورپردازی در این سریال (خورشید بو خاک)

چگونه است؟

■ فقط در حد رفع نیاز و روشن کردن صحنه و نه در حد مطلوب چون اگر فرصت می‌بود نورپردازی‌های بهتری انجام می‌شد که یکی از دلایل عدم وجود امکانات کافی برای نور دادن به دو واحد سیار و یرتابل به صورت همزمان است.

آقای صادقی در نورپردازی چیزی به نام سبک وجود دارد؟

■ بله. اما این سبک تابع ساریو و شرایط زمانی و مکانی و امکانات و فاکتورهای دیگر است. مناسفه در ایران به نور اهمیت زیادی داده نمی‌شود. ببیند در فیلم‌های آلفرد هیچکاک سایه روشن‌ها چه جایگاهی پیدا می‌کنند؟ در آنجا نور تنها برای روشن کردن صحنه نیست. در کارهای هیچکاک و بعضی دیگر نور

آقای مسعود فروتن کارگردان تلویزیونی سریال

«هنوز احساس ۲۵ سالگی می‌کنم»

آقای فروتن خسته نباشید لطفاً برای آشنایی
بیشتر قدری از خودتان بگویند.

■ ۴۸ سال سن دارم و ۲۵ سال سابقه کار در تلویزیون
ولی هنوز وقتی کار می‌کنم احساس ۲۵ سالگی دارم.
البته ۲ سال است که رسماً بازنشسته شده‌ام ولی وقتی
دعوت مجدد به کار شدم با علاقه پذیرفتم چون کار
کردن را واقعاً دوست دارم و حالا عملاً بیشتر از سابقه
بازنشستگی کار می‌کنم. فارغ‌التحصیل مدرسه عالی
سینما تلویزیون در رشته کارگردانی تلویزیون و
دانشکده هنرهای دارمینگ در رشته سینما هستم. و
یک فرزند دختر دارم که بیست و یک سال سن دارد و
حقوق می‌خواند.

آشما شاید تنها کارگردان تلویزیونی هستید که از
نظر تصمیم‌گیری در انتخاب تصاویر و سرعت
بخشیدن به ضبط یک برنامه زیان‌زد شده‌اید...
■ برنامه‌هایی که تا به حال ضبط کرده‌ام کیهنستان بد
است؟

آه، نه، ولی سنوالم تمام نشده بود. می‌خواستیم
بدانم به همین دلیل انتخاب شدید؟
■ نه، شاید تنها دلیل نماند. البته دلیل اصلی آمدنم
به خاطر دوستی با مسئول گروه مناسبت‌های ویژه،
کارگردان هنری، تهیه‌کننده و... بود. البته می‌دانید که
یک هفته بعد از شروع کار آمدم. خوب آقایان فکر
می‌کردند با روشی که همکار قبلی کار می‌کردند برنامه
به بخش نمی‌رسید و معروف است که از دیگران
سریع‌تر کار می‌کنم. البته خودم معتمد این شیوه کار
کردن شیوه خوب و ایده‌آلی نیست.



خواسته شد برای شب‌های قدر ماه مبارک رمضان هم
کاری در همین قالب داشته باشیم که طرح محرم به‌نام
آفتاب عدالت در ماه رمضان به مدت پنج شب بخش
شد و بعد از آن ناچاراً طرح دیگری برای محرم ارائه
دادم که بس از نصوب، آقای محمد ایوبی به‌عنوان
بویسده و آقای حسین مختاری به‌عنوان کارگردان
هنری انتخاب شدند و کار شروع شد و آقای ایوبی
مشغول نوشتن سریال برای یک برنامه ۱۳ قسمتی
شدند.

آیا ممکن است طرح را بنویسند؟

■ طرح در رابطه با واقعه کربلا می‌باشد و
شخصیت‌های اصلی داستان در نهایت بگونه‌ای با واقعه
کربلا پیوند می‌خورند. البته برخی از شخصیت‌ها
ساخته و پرداخته ذهن ما و نویسنده است.

آیا پس ارتباط مستقیم با واقعه کربلا ندارد؟

■ داستان این‌گونه است که پسر و دختری که از
علاقه‌مندان حضرت علی (ع) هستند می‌خواهند با هم
ازدواج کنند. اما پدر دختر مخالف است مگر به یک
شرط که داماد در لشکر امام حسین (ع) برای یزید
جاسوسی کند. در فاصله داستان پدر و پسر هم داریم
که پدر دوستدار حضرت علی (ع) و خاندان اوست و
برای پوستن به لشکر امام حسین (ع) به اتفاق پسرش
راهی می‌شود. پدر نابینا است و پسر بیماری صرع
دارد، پسر مخالف عقیده پدر است اما این مخالفت با
خاندان حضرت علی (ع) چندان قلی نیست به‌هر حال
به‌خاطر کمک به پدر نابینایش با او همراه می‌شود و در
جریان ماجرا قرار می‌گیرد و متحول می‌شود. در این
سریال بیشتر تحول آدم‌ها مطرح است.

آیا این تحول‌ها صوری است یا...؟

■ بیند عشق دختر و پسر عشقی معنوی است و پسر
برای رسیدن به این عشق معنوی باهش را گم می‌کند
اما در طول قصه به جایی می‌رسد که عشق سرایش
فلسفه دیگری پیدا می‌کند. یا پسری که با پدرش
مخالف بود وقتی به کربلا می‌رسد و امام حسین (ع) را
زیارت می‌کند شفته‌تر از پدرش می‌شود و افساقت
بسیاری می‌افتد.

آقای بنیادی ظاهراً این اولین کار شما در مقام
تهیه‌کنندگی یک سریال است؟

■ بله و خوشبختانه همه چیز در جهت سرعت بخشیدن
به کار تولید هماهنگ است و مطلوب، البته با توجه به
فرصت محدود و حجم کاری که باید انجام می‌دادیم
یک مقدار به تمام عوامل فشار بیش از حد وارد شده
که طبیعت کار ایجاب می‌کرد این‌گونه باشد و تمام
همکارانی که همراهی می‌کنند بیش از حد فعالیت
می‌کنند و هر شب عملاً تا ساعت ۶ صبح کار می‌کنیم و

مراحل تدارکات و تولید با به پای هم پیش می‌روند. و
من از همه آنها تشکر می‌کنم.

آیا تشکر از شما که در این فرصت محدود وقتتان
را در اختیار ما گذاشتید، اگر حرفی ناگفته مانده
بنویسید.

یک رکن به حساب می‌آید. اگر ما اهمیت نور را درک
کنیم قطعاً فیلم خوبی خواهیم داشت. نور باید در قالب
کلی کار جایگاه مشخصی داشته باشد. اما اینجا از نور
فقط برای روشن کردن صحنه و تصویر استفاده
می‌شود. مثلاً به‌نظر من در همین سریال می‌شد از نور
استفاده‌های بهتری کرد یعنی با نورپردازی‌های خاص
به آقای مفاهیم متن کمک کرد.

آیا خوب چرا اینکار انجام نشد؟

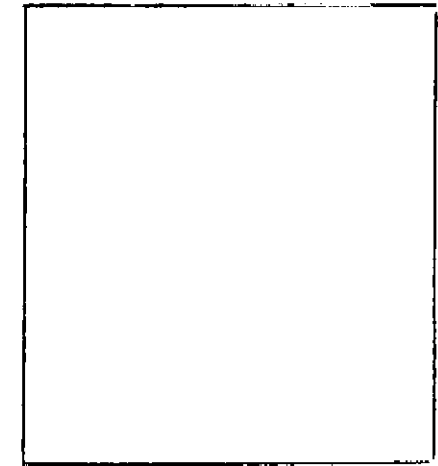
■ به‌خاطر فرصت کم و ضرب‌الاجل بودن کار. ما
همین که بتوانیم با این امکانات محدودی که داریم هر
دو واحد برنامه و سیار را نور معمولی بدهیم هنر
کرده‌ایم، شاید باورناتان نشود تا الان که مدتی از
فیلمبرداری می‌گذرد هنوز تمام امکاناتی را که خواسته
بودیم تهیه نشده است.

در همین لحظه یکی از پرژکتورها با صدای
عجیبی خاموش می‌شود و کار تعطیل آقای صادقی
می‌گوید (بفرماید). حالا یکی دیگر از نورها از دور
خارج شد و می‌رود تا تلاشی دوباره داشته باشد برای
روشن کردن صحنه و نه نورپردازی. و من لیوان چای
بیخ کرده‌ام را برمی‌دارم و می‌نوشتم تا مثلاً چایی
خورده باشم.

سیمامک بنیادی تهیه‌کننده

آقای بنیادی خسته نباشید. مایلم ابتدا برای
آشنایی بیشتر خوانندگان مجله کمی از خودتان
بگویند.

■ سیمامک بنیادی هستم، دارای مدرک فوق‌لیسانس
علوم ارتباطات، حدود ۱۵ سال است در شبکه دوم
سیمافعالیت می‌کنم. بعد از انقلاب گروه ورزش شبکه
۲ را راه‌اندازی کردیم تا سال ۶۲ و بعد به گروه
اجتماعی آمدم و برنامه‌ای در رابطه با اعتیاد به‌صورت
مستند کار کردم همینطور برنامه‌ای برای سیمای جوان



که به صورت مستند داستانی بود. و از زمانی که به
گروه ویژه آمدم بنا به درخواست آقای موسوی
بجوردی قرار بود طرحی در رابطه با محرم داشته
باشم. طرحی دادم که شامل یک سری قطعات نمایشی
به صورت تئاتر و تعزیه و مناجات و شعر بود ولی بعد

چرا؟

■ برای خودم شیوه خوبی نیست و نمی‌پسندم چون
معتمد باید مانند کارگردان هنری در تمام لحظه‌های
کار حضور داشته باشم. باید کارگردان تلویزیونی سر
تعرین گروه هنری حضور داشته باشد. تلاش بازیگر را

برای پیدا کردن شخصیت نمایشی‌اش ببیند. با کارگردان در میزانشن دادن‌ها باشد. یعنی از آغاز تکوین یک کار در بطن ماجرا باشد تا آن وقت به‌نتر بتواند دکوپاژ کند و کار زیبایی در نهایت ارائه شود. اما من اینجا بعد از شروع کار آمدم و حالا باید شتاب بیشتری برای دریافت داشته باشم. ما سکااس به سکااس تصمیم می‌گیریم چه کنیم و به‌خاطر فرصت کم گاهی وقت فکر کردن روی صحنه‌ها را هم ندارم. برای این است که می‌گویم برام حالب نیست.

با این شرایط مشکلی ندارید؟

هیچ مشکلی با دوستان ندارم. اولین چیزی که خواستم این بود که ترکیب گروه به‌هم نخورد. ما باید در چنین شرایطی سعه صدر داشته باشیم. پیشنهادی هم به تولیدکنندگان این گونه برنامه‌ها که باید در زمان خاصی بخش شود. دارم ببیند ما می‌دانیم که هر سال دهه فجر داریم. محرم داریم. ماه رمضان داریم. و... پس باید از اول سال پیش‌بینی کنیم. چون گاهی تا این سرعت کار، صحنه‌ها باری به هر جهت می‌شود و اگر قرار باشد فقط از لحظه‌ها و تکنیک‌ها استفاده کنیم حق مطلب را در القای پیام نمایش ادا نکرده‌ایم.



آقای پرویز شاهین‌خو (زندری)

بازیگر نقش

حبیب‌ابن مظاهر

آقای شاهین‌خو خسته نباشید. لطفاً کمی از خودتان بگویند.

متولد ۱۲۹۴ در تهران هستم. از سال ۱۳۱۱ به اتفاق مرحوم خیرخواه وارد کار تئاتر شدم و در سال ۱۳۱۷ وارد هنرستان هنریشگی شدم که در آن زمان آقای میرزا سیدعلی خان نصر رئیس هنرستان بودند و آقایان رفیع حالتی، نوشین، دکتر نامدار، شبانی، معزالدین فکری، یا ایمان، مسیری و یکی دو نفر دیگر که نامشان را فراموش کرده‌ام تدریس می‌کردند و ما جزء هنرجویان اولین دوره هنرستان بودیم. آقای فروتن هم بت موسیقی تدریس می‌کردند.

از بیش از ۶۰ سال تجربه بازیگری قطعاً خاطرات زیادی دارید. بهترین و بدترین

خاطراتان چیست؟

بدترین خاطره وقتی بود که کلاس دوم ابتدایی بودم و در مدرسه روس‌ها درس می‌خواندم. آنها یک شب «جشن سرج» داشتند و فرار بود من یک متن فارسی را به‌صورت یک نفره چی پیش می‌گن،

آذکلمه

بله ذکلمه کنم. اولین باری بود که روی صحنه می‌رفتم. برده کشیده شد و خواستم برم روی سن که یک آقای دستم را کشید و گفت نمی‌خواد بری. گفتم: چرا؟ به کشیده زد به صورتم و گفت وقتی می‌گم نرو، نرو - بعدها معلم مدرسه‌مان اعتراف کرد که آن آقا گفته بود که دولت گفته در جشن روس‌ها نباید فارسی صحبت شود. این اولین کشنده و توسری خوردنم در بازیگری بود، حدود سال ۱۳۰۵ بود... درست یادم نیست.

ا او خوشترینش...

و اما خوشترین آن در نمایش تاجر ونیزی کار آقای رفیع حالتی بود که در تماشاخانه تهران اجرا کردیم. در نمایش سه خواستگار بود. یکی شاهزاده مراکشی، یکی اروگونه‌ای و یکی هم ونیزی. این را هم بگویم که آقای رفیع حالتی در نمایش نقش شاهزاده مراکشی را حذف کرده بود و همزمان آقای نوشین هم حسن نمایش را می‌خواستند در تماشاخانه فرهنگ اجرا کنند و شاهزاده مراکشی را هم حذف نکرده بود، همین باعث شد تا آقای رفیع حالتی هم دوباره نقش شاهزاده مراکشی را در نمایش بگذارد و دو شب مانده بود به اجرای نمایش و بازیگری برای این نقش پیدا نکرده بود. به من گفتند که باری کنم من هم پذیرفتم به شرط آنکه در تمرین و زوال آخر نیام و فقط از شب اجرا بیایم، نمی‌دانم چرا آقای حالتی پذیرفتند. در شب اجرای اول وقتی نمایش تمام شد، تماشاچی‌ها آنقدر تشویق کردند که محور شدم دوباره به صحنه بیایم و این فضا در تمام هفت شب اجرا تکرار می‌شد و مجله تهران مصور هم همان موقع مطلبی درباره نمایش نوشت و تعریف و تمجید کرد از بازی بازیگر نقش شاهزاده مراکشی، البته اسم تمام بازیگران از جمله آقای سارنگ و رفیع حالتی را با نشان نوشت ولی نام بازیگر نقش شاهزاده مراکشی را نوشت. پرسدم چرا؟ گفتند حروفچینی فراموش کرده، هفت آینده مجدداً می‌نویسم. ولی هنوز آن هفته آینده نیامده است.

یکی از خاطرات خوب دیگرم هم خاطره‌ای است مربوط به نمایش «کارمند دولت» که آقای تفکری کارگردانی می‌کردند و بازیگر هم بودند. من در آن نمایش دو نقش داشتم، یکی نقش دزد و دومی نقش پیش خدمت مدیر کل، برای بازی در این نمایش هم تماشاچیان مثل نمایش قبلی آنقدر تشویق می‌کردند که محور می‌شدم در پایان هر شب اجرا دو سه بار به صحنه بیایم.

آقای شاهین‌خو تا به حال نقش‌های زیادی بازی کرده‌اید از کدام شخصیت‌های نمایشی‌تان بیشتر لذت برده‌اید؟

در تئاتر، نقش شاهزاده مراکشی و دزد و در تلویزیون هم نقش کل حسین در سریال روزی روزگاری و در سینما هم نقشی که در فیلم میرزا کوچک خان داشتم.

در این سریال نقشتان چیست؟

نقش حبیب‌ابن مظاهر را بازی می‌کنم. البته ابتدا به آقای مختاری گفتم متن را می‌خوانم و نقشم را خودم انتخاب می‌کنم ایشان هم پذیرفتند و روزی که گفتم نقش حبیب‌ابن مظاهر را بازی می‌کنم ایشان قبول کردند.

خیلی ممنون اگر حرفی دارید بفرمائید.

هر کس می‌خواهد وارد کار هنری بشود. اول باید به این هنر عشق بورزد و آن را دوست داشته باشد و در مقابل نامالیقات استقامت به خرج بدهد. من در این مدت ۶۳ سال، همیشه آرزو داشتم به اوج برسم. به اوج هم که رسیدم باز توسری خوردم، ولی استقامت کردم، چون بازیگری را دوست دارم.



حسین نصرآبادی برنامه‌ریز و دستیار

کارگردان

تنها فرصتی که توانستم بعد از سه شب آقای نصرآبادی را برای چند دقیقه تنها گیر بیاورم و بهانه فرصت‌های بین دو صحنه (اگه میشه بعد از آن دارم به صحنه بعد فکر می‌کنم) را نداشته باشند. سر شام ساعت ۱۰/۵ شب بود و آن شب او آخرین نفری بود که شام می‌خورد و شب‌های دیگر هم موقع شام یا با حسین مختاری و یا بازیگران صحبت می‌کرد.

به‌عنوان اولین سنوال مختصری از خودتان بگویند؟

حسین نصرآبادی هستم، فارغ‌التحصیل دوره لیسانس رشته هنرهای نمایشی دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران و فوق‌لیسانس مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی دانشگاه علامه طباطبایی، مبتدئ تئاتر. سال‌هایی را مشغول تدریس در دانشکده هنرهای زیبا، و مرکز آموزش هنر بودم، با مسئولیت‌های مختلفی در وزارت ارشاد و در حال

حاضر مسئولیت آموزش مرکز هنرهای نمایشی را به عهده دارم. در زمینه نویسندگی هم کارهایی کرده‌ام از جمله نمایشنامه **روای یک شب تابستان** مقالات و نقدها پیرامون نژاد و تحقیقی هم درباره بررسی وضعیت نژاد در سال ۶۵ که می‌خوانم جاب کنم ولی متأسفانه نسد، اما حالا به شکلی جامع‌تر در دست دوس دارم. به لحاظ حضورم از اول انقلاب در مرکز هنرهای نمایشی و مسئولیت‌هایی که در این مرکز و بخش فرهنگی جهاد دانشگاهی داشتم در کلیه جشنواره‌های فجر و جشنواره‌های دیگر حضور مستقیم داشتم به همین دلیل بوئن تاریخ شاعر بعد از انقلاب را در دست دارم که اگر روزی فرصتی پیش بیاید و شرایط فراهم شود حساب جوامع کردم. و امیدوارم حداقل به درد آن‌هایی که می‌خواهند کار تحقیقی بکنند بخورد و ندانم که وضعیت نژاد در این سال‌ها چگونه بود.

این یک بررسی کیفی است یا کمی؟

هر دو، هم از نظر کمیت و هم کیفیت و در واقع جنبی است از مسائل، مشکلات، موفقیت‌ها و عدم موفقیت‌های نژاد کشور در طی این سال‌ها. هر کسی یک تحلیل و یک نقطه نظری دارد ولی من سعی کرده‌ام در این کار تحقیقی، نگاه عادلانه و منصفانه داشته باشم. حتی در بخش‌هایی از بررسی نژادها که در آن نژاد به دلیل مسئولیت مستقیم و نا غیرمستقیم ما آن سانس ارتباط داشته‌ام، سعی کرده‌ام که منصفانه نقاط ضعف و قوت آن سانس را مورد بررسی قرار دهم. بسید من سرخلاف نظر بعضی از دوستان و همکاران موضوعی و هر چند که می‌گویند تمام مشکلات عدم موفقیت به گردن مسئول است، اعتقاد دارم که مسئولیت مشکلات به گردن هر دو طرف است هم مسئول و هم هنرمندان. اگر مسئول در حسابی ناخواسته مشکلی می‌آفریند هنرمندان هم با بعضی برخورد‌های عارضی در ارتباط یا اجرا به مقابله می‌نیزند و این هر دو اشکال دارد.

هنرمندان که عاشقانه و مخلصانه کار می‌کنند، شاید اشکال در افراد نباشد در برنامه‌ها باشد؟

بسیار در یک دعوا می‌گویند هر دو طرف مقصر هستند حالا یکی کمتر یکی بیشتر، درست که هنرمندان کار می‌کنند و با کمبود امکانات مواجه می‌شوند، البته یک چیز را مشخص کنم منظور همه نیستند بلکه آنهایی که تق می‌زنند می‌بند چون دیگران واقعاً کار می‌کنند و با همه مشکلات هم می‌سازند ولی آن‌ها که فقط تق می‌زنند بسید در طول سال چقدر کار می‌کنند.

آقای نصرآبادی خود شما چرا کم کار هستید؟

من از نژاد دور نیستم. در خدمت نژاد بودن تنها روی صحنه رفتن نیست. من کنار صحنه تکلیفم را انجام می‌دهم تا دوستان کار روی صحنه ببرند. و کم هم کار صحنه نمی‌کنم. آخرین کارم دایی وایا بود که دو سال پیش روی صحنه بود.

آقای نصرآبادی وضعیت کنونی نژاد کشور را چگونه می‌بینید؟

چرا سوال‌های سخت می‌کنی؟ بسید جواب به این سوال با چند جمله داده نمی‌شود. این تحلیل لازم دارد. باید وجوه اقتصادی، فرهنگی و... بررسی شود و آنگاه به این بحث رسید تا جواب کارشناسی داده شود. آنچه من گفتم نباید تقصیر همه مشکلات را به گردن مسئولین انداخت همین است. ناند همه سویه نگاه کرد و آن موقع بحث جدی کرد و نه نتیجه رسید. اگر می‌دانم که حرف‌هایم بی‌کم و کاست عنوان می‌شود حاضریم در یک جلسه کارشناسانه بحث کنیم. آنگاه می‌گویم نقاط قوت و ضعف کمات. البته ما توجه به دانش و شناخت خودم. اما به‌رحال آنچه مسلم است همه فعالیت می‌کنند و زحمت می‌کنند. اعم از آن‌ها که مسئولند و آن‌ها که هر مند. انشاء... که آخر و عاقبت خوبی داشته باشد.

انشاء... فرصتی پیش بیاید و با حضور شما و دیگر کارشناسان وضعیت نژاد به‌طور جدی بررسی شود. برگردیم سراغ فعالیت‌های خود شما، تا به حال فعالیت‌های شما در زمینه سینما و تلویزیون چه بوده است؟

اولین کار سینمایی من فیلم زنجیرهای ارضی بود که به عنوان مشاور کارگردان در امور هدایت بازیگران کار کردم و در فلسفی به نام پرواز بنجم ژولین هم بازی کردم و هم بخشی از هدایت بازیگران را به عهده داشتم و بعد فیلم سینمایی ساد سریع بود که دستار اول کارگردان بودم. البته فیلم یاد سرخ اکبران نگرفت. این سه فیلم تجربه‌های سینمایی من بود. و در زمینه کارهای تلویزیونی، سریال مدرس (مربع حق) و یک مجموعه بست و شن قسمتی کوتاه بود که چندین سال قبل برای تلویزیون انجام دادم که علاقه نداشتم اسمی از من در آن سریال برده شود چون اولی تجربه جدی من بود و دو مجموعه سزده قسمتی ۲۰ دقیقه‌ای هم بود که در آن کار. هدایت بازیگران را به عهده داشتم. و یک مجموعه بست و شن قسمتی دیگر در رابطه با مسائل اجتماعی قرار بود کار کنم که بنا به دلایلی نشد.

آقای نصرآبادی چگونه برای همکاری در این سریال دعوت شدید آیا سابقه همکاری با آقای مختاری داشتید؟

نه. من مدتی در فرهنگسرای بهمن مدیر آموزش بودم و آنجا یکی از دوستانم که در شبکه دوم است صحبت کردند که قرار است مجموعه‌هایی در ارتباط با زندگی پاساران در شبکه دوم کار شود و از من دعوت کردند که پیام و با کمک دوستان انجام بدهم و من هم چند نفر از دوستان از جمله آقای مختاری را معرفی کردم که پس از چند جلسه با مسئول شبکه ۲ قرار شد کار تحقیق و نوشتن روی زندگی پیامبران را آغاز کنیم و مسئول شبکه هم خیلی حسن پیت نشان دادند و من هم علاقه‌مند شدم که در این مجموعه کار کنم و در همین فاصله بود که تهیه کننده همی سریال (آقای سادی) که از تهیه کنندگان شبکه هستند با نظر مدیر گروه مناسب‌های ویژه پیشنهاد کردند که سریال خورشید بر خاک را که در ارتباط با واقع عاشورا و

شهادت امام حسین (ع) است، قبل از آن مجموعه کار کنیم. و ما شروع کردیم.

آقای نصرآبادی چه مدت وقت داشتید برای ساخت این مجموعه؟

حدود ۴۰ روز.

خیلی عجیب است. در این مدت کم چگونه می‌خواهید کار را تمام کنید؟

حقیقتش این است که کاری با این وسعت حداقل دو سه ماه نیاز داشت لازم دارد با برنامه‌ریزی دقیق و چند ماه هم فرصت فیلمبرداری. ولی در این شرایط تنها یک انگیزه می‌تواند کار را پیش ببرد و آن هم اعتقاد به مفاهیمی که در ساختار این اثر هست که آن هم پیرامون زندگی حضرت امام حسین (ع) است و این انگیزه حداقل برای من بود.

احتمالاً این انگیزه در دیگران هم هست؟

حتماً و الا کار با این سرعت پیش نمی‌رفت.

این انگیزه اگر همراه با فرصت و زمان بیشتری بود کیفیت کار را بهتر نمی‌کرد؟

یقیناً چرا. اما الان هم کار با کیفیت خوبی ضبط می‌شود.

بسید آقای نصرآبادی شما الان با دو واحد سیار و پرتابل هم‌زمان سریال را ضبط می‌کنید.

واحد سیار را شما کارگردانی می‌کنید واحد پرتابل را آقای مختاری. و به قول خودتان قبلاً هم با آقای مختاری کار نکرده بودید یا حداقل سابقه همکاری در کارگردانی یک کار را ندارید که به ذهنیت هم‌دیگر آشنایی کامل داشته باشید. فکر نمی‌کنید این دو نگاه متفاوت در کارگردانی در یک اثر روی کیفیت کار لطمه بزند؟

بله ممکن است این سوال به ذهن برسد. ولی آقای مختاری از دوستان من است و از سال ۵۲ که وارد دانشکده هنرهای زیبا شدم تا کنون بیشتر از ۲۲ سال است که با هم دوست هستیم و خیلی نزدیک و طبیعتاً خصوصیات ذهنی هم را می‌شناسیم. شیوه کار هم‌دیگر را تقریباً می‌شناسیم. البته طبعی است که من برای خودم یک روش و شیوه‌ای دارم و ایشان هم همچنین. در ابتدا هم قرار بود من دستیار و برنامه‌ریز باشم ولی همان هفته‌های اول دیدیم که با یک گروه فیلمبرداری کار پیش نمی‌رود، پس با دو گروه فیلمبرداری کردیم. کارگردان اصلی آقای مختاری هستند و من سعی کرده‌ام از شیوه و روش خودم بهره‌بر کنم و نزدیک شوم به شیوه‌های آقای مختاری، چون ایشان و ذهنیت‌هایشان را خوب می‌شناسم، حالا دیگر حاصل چه شود باید سریال را دید و قضاوت کرد.

حبیب دهقان‌نسب بازیگر

لطفاً مختصری از خودتان و فعالیت‌های بازیگریتان برای خوانندگان مجله بفرمایید.

در سال ۱۳۲۸ هجری شمسی در شهر گل و بلبل

شیراز و در خانواده‌ای نزدیک به متوسط پسری بدبنا آمد که نامش را حبیب گذاشتند اما بهرام هم صدایش می‌کردند. سده که همان سرک ششم، در دوران کودکی و از طریق بازی‌های کودکانه در «نقش دیگرنان رفس» را تجربه کردم و لذت بردم. تنیده شدن این حس فینگ با تار و پود وجود باعث گشت تا در ایام شب به طرف بازیگری در نمایشنامه‌های رادیویی کشانده شوم و از طریق آن گام در جاده پربین و خم بازیگری شاعر گذاشتم. سال ۵۲ وارد دانشکده هنرهای ریبا، شدم (و این برخلاف میل پدرم بود که دلش می‌خواست یک افسر شوم!) سال ۵۶ لیسانس بازیگری و کارگردانی گرفتم و به دنبال آن به استخدام وزارت فرهنگ و هنر رفتم و دوباره راهی شیراز شدم. پس از چند سالی عزم جزم کردم که به تهران بازگردم چرا که احساس می‌کردم برای غرق شدن، رودخانه کافی نیست که دریایی باید.

طی این سال‌ها که به عدد ۲۶ می‌رسد بازی در تعداد بسیاری نمایشنامه رادیویی، پیش از جهل نمایشنامه صحنه‌ای، سه فیلم سینمایی و تعدادی تئاتر، فیلم داستانی و سریال تلویزیونی کارنامه فعالیت‌هایم را تشکیل می‌دهد.

تا در عرصه سینما هم کار هستید. چرا؟

■ در سال‌های اولیه پس از انقلاب که عرصه سینما، به حق، در اختیار بازیگران تئاتر قرار گرفت، بنده به‌عنوان کارمند وزارت فرهنگ و هنر راهی شیراز شده و در آنجا به فعالیت بازیگری مشغول بودم. که طبیعتاً در آن شرایط رابطه من و بازی در سینما مثل: «دست من کوتاه و حرما بر نخیل» شد. اما پس از بازگشت دوباره‌ام به تهران در چندین فیلم سینمایی بازی کرده‌ام، ضمن اینکه باید صادقانه عرض کنم در همه حال این حقیر را سرایا تقصیر بازی روی صحنه را ترجیح داده‌ام، بطوریکه تا به حال دو، سه پیشنهاد بازی در فیلم را به خاطر تئاتر رد کرده‌ام.

بازیگری در سینما و تئاتر چه تفاوت‌های دارند؟

■ بازیگری در سینما و تلویزیون جدا از بازیگری در تئاتر نیست. می‌تواند بازیگری در سینما همان ادامه بازیگری تئاتر است منتهی با سانس و شیوه‌ی خاص خودش. اگر تفاوتی هست بیشتر در نوع ارتباط آنهاست با تماشاگر.

بازیگر تئاتر مستقیماً با تماشاگران در ارتباط است و نسبت به عکس‌العمل‌های او می‌تواند کیفیت بازی خود را تغییر دهد. می‌تواند در شب‌های مختلف اجرا نواقص و استباهات کار خود را جبران کند. به‌طور کلی در تئاتر ارتباطی تنگاتنگ، مستقیم و دو جانبه بین بازیگر و تماشاگر وجود دارد. در حالی‌که برای بازیگر سینما این ارتباط نزدیک وجود ندارد و عکس‌العمل تماشاچی هم هیچ تأثیری در روند بازی ثبت شده او بر نوار سلولونید نخواهد داشت.

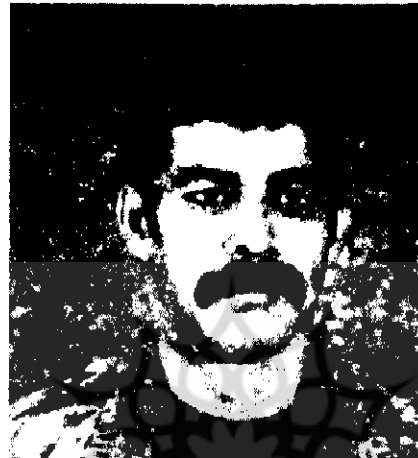
بازیگر تئاتر آموخته است که نقش خود را به شکل منحنی یعنی آغاز، میان و پایان اجرا بکند اما در سینما چنین فرصتی نیست، چرا که به دلیل شرایط حاکم بر اقتصاد سینما و نیز نوع لوکیشن، صحنه‌ها پشت سر هم

فیلمبرداری نمی‌شوند و چه‌سا در زمان و مکان، دو صحنه‌ای را که منطبق به ابتدا و انتهای فیلم باشد تصویربرداری کند که ابتدا و در جیس شرایطی هشجاری و آمادگی حسی و ذهنی بازیگر است که باید تسلسل حس و ریتم کاراکتر را در خود حفظ کند.

بازیگر تئاتر بعد از پایان هر اجرا می‌تواند در مورد کیفیت کار خویش فضاوت کند، اما بازیگر سینما باید منتظر باشد تا کارگردان و تدوینگر فیلم چگونه او را نشان بدهند.

آخرین کارتان در صحنه چه بوده است؟

■ آخرین کارم، اجرای نمایش شب به کنارگردایی خانم مریم معترف بر صحنه تئاتر چهارسوی، تئاتر



شهر بود که به‌خاطر فصل بد اجرا (شهریور) و عدم تبلیغات با استقبالی که انتظار داشتم روبرو شدم، هر چند همان تعداد تماشاچی توانستند ارتباط خوبی با نمایش برقرار کنند چرا که «س» حرفی برای گفتن داشت. حرفی از اینجا و اکنون.

نمایش «شب» را در شهرستان‌ها هم اجرا کردید. استقبال چگونه بود؟

■ ابتدا در شهرستان گرگان و سپس در سناپ، بندرعباس، حزیره فشم، رودان، بندرلنگه و حاجی آباد از شهرها و بخش‌های استان هرمزگان باخرا درآمد که در بعضی از شهرستان‌ها مثل سناپ، حریره فشم، حاجی آباد و رودان استقبال خیلی خوبی از آن شد، به‌طوری‌که در این نقاط از ما خواسته شد تا شب‌هایی بیش از برنامه تعیین شده نمایش را اجرا کنیم که متأسفانه برای ما ممکن نبود. اما در بعضی جاها از جمله بندرلنگه و خود بندرعباس، استقبال جیدان خوب نبود، مخصوصاً در بندرعباس (به‌عنوان مرکز استان) که باعث حیرت و تعجب منگی ما شد.

در شهرستان‌ها که برای اجرا رفتید با تئاتر آن شهرستان‌ها از نزدیک برخورد داشتید. تئاتر را در شهرستان‌ها چگونه می‌بینید؟

■ در یک کیلام: شور و هیجان و استعداد در شهرستان‌ها فراوان یافت می‌شود، اما نبود امکانات، کمبود آموزش‌های لازم و وجود عناصری که در رأس بعضی از مراکز هنری هستند اما، متأسفانه، با مقوله هنر به‌کلی سگانه‌اند، باعث شده‌اند تا

شهرستان باری به‌هرجهت پیش برود. چندین سال پیش در خیلی از شهرستان‌ها انجمن‌های نمایش تشکیل شد و عده‌ای علاقه‌مند هم در زیر علم آن جمع شدند اما با کمالات تأسف بسیاری از این انجمن‌ها در ستم راه به‌دلیل متعدد از هم پاشیده شدند و جراحی که سعی توانست مسأله حساس و روشنی بخش محفل و صحنه‌های تئاتر شهرستان‌ها باشد کم سو و کم سو برسد و در بست که به‌کلی خاموش شود!

مایلیم نظراتان را در مورد وضعیت کنونی تئاتر کشور بیان کنید.

■ تئاتر ایران مثل طفلی بی بربرست، تنها و بی‌ساخت است. حمایت درستی از آن نمی‌شود. برنامه‌ریزی مشخص و مدویمی ندارد. اگر حماسی که بعد از انقلاب از سینما شده، از تئاتر هم می‌شد، حالا با تئاتر دیگری روبرو بودیم.

قبل از انقلاب استادان ما همه دکتر و فوق‌لیسانس و آدم‌های با تجربه‌ای در این رشته بودند. اکنون دانشجویانی که تا دیروز در سرکلاس بوده‌اند ناگهانی لیسانس به‌عنوان استادیار مشغول تدریس می‌شوند! دانشجویانی تئاتری سراغ داریم که در سناپ خود و چهارم دانشکده تئاتر هستند. اما از ابتدای برین اصول تئاتری و بازیگری بی‌اطلاعتی کسی را سراغ داریم که نمی‌دانست نمایش نامه مطلب مغز به تکمیل است اما اکنون سال اول رشته تئاتر دانشگاه آزاد است! آن سال‌ها که ما وارد دانشکده تئاتر قدم بستیم از حیثی از لیسانس‌های فعلی تئاتر کار عملی کرده بودیم و تئوری می‌دانستیم.

مذتهاست که صحبت از تئاتر حرفه‌ای است می‌اسکه تعریف مشخصی از آن نبود، چرا که در عمل صد آن راه هم ساهه همیم.

هنر به‌طور کلی و تئاتر به‌طور احصی نمی‌تواند در چهارچوب مقررات و قوانین حسک و فرمانی بس بکند، ذات هنر در برابر بودن آن است.

چگونه برای بازی در سریال خورشید بر خاک انتخاب شدید و نقشتان چیست؟

■ من حرفه‌ام بازیگری است. پس ضمناً هر پیشنهادی در این زمینه را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهم. بنابراین طبق روال سانس گرفته شد، من را خواندم و چون از نقش پیشنهادی مسلم‌بن عمیل، خوشم آمد، بازی در سریال را پذیرفتم.

برای رسیدن به شخصیت‌هایی که بازی می‌کنید چگونه به شناخت می‌رسید؟

■ برای رسیدن به شخصیت مورد نظر من فرمون خاصی دارم که با توجه به ضرورت و مناسبت با نقش آن را به‌کار می‌بندم. ابتدا از طریق مطالعه جنس و چند باره ذهن و توجه و تأمل به رفتار و کردار و گمنار مکتوب آن شخصیت، سعی در شناخت اولیه آن می‌کنم، سپس مطالعه کتب، نمایش فیلم، عکس یا اسلایدهایی که به‌هر شکلی بتواند هر چه بیشتر مرا در نزدیک شدن به آن کاراکتر یاری کند در دستور کارم قرار می‌گیرد. در مرحله بعد مشاهده و کنجکاوی در محیط و پیرامون خود و بعد از آن صحبت با کارگردان و تلاش برای رسیدن به نکت نقطه نگاهم و نهایتاً



مدتهاست که صحبت از تئاتر حرفه‌ای است بسی اینکه تعریف مشخصی از آن بشود. چرا که در عمل ضد آن را هم شاهد هستیم. هنر به طور کلی و تئاتر به طور اخص نمی‌تواند در چهارچوب مقررات و قوانین خشک و فرمایشی نفس بکشد، ذات هنر در آزاد بودن آن است.

شکل‌گیری تدریجی قالب آن آدم و فرار گرفتن در کالبد آن.

ل: تاکنون در نقش‌هایی که ایفا کرده‌اید کدام شخصیت برایتان جذابیت بیشتری داشته است؟

■ به دلیل تعصب و حساسیتی که نسبت به بازیگری دارم، برای بازی هر نقش شتهای سعی و تلاش خودم را می‌کنم. در نتیجه انتخاب یک یا چند کار به عنوان شاخص‌ترین، بسیار سخت و مشکل است. اما اگر بخواهم در هر صورت به سوال شما جواب بدهم باید بگویم: در سینما هنوز نقش مورد نظرم را بازی نکرده‌ام. در تلویزیون: نقش رحمان در سریال مهر و ماه کار حمید بخنده، حرث در سریال امام علی (ع) کار داوود میرباقری و مسلم بن عقیل در سریال خورشید بر خاک کار حسین مختاری و در تئاتر: نقش وینستن در نمایش جزیره نوشته آتول فوکارد. دقیانوس در نمایشنامه دقیانوس، امپراطور شهر ایفسوس که در اولین جشنواره سراسری تئاتر فجر جایزه‌ای هم برام به‌همراه داشت، عالیجناب هیل در نمایش ساحره سوزان نوشته آرتور میلر و کار اکبر زنجانیور و بالاخره پیر مرد نمایش شب کار مریم معترف.

□ با تشکر و خسته نباشید، اگر حرفی باقیمانده دارید بفرمائید.

■ با تشکر از شما به‌خاطر ترتیب این گفتگو، باقی حرف‌ها بماند برای فرصتی دیگر.

حمید مهرآرا بازیگر

□ کمی درباره خودتان و سوابق کاری‌تان برای خوانندگان سینما تئاتر بگویید؟

□ حمید مهرآرا، متولد خرمشهر، از سال ۱۳۴۹ کار تئاتر را به صورت رسمی در ذوق آغاز کردم. اولین کار صحنه‌ای که داشتم آرامشی به روشنی آفتاب بود که ابتدا اجرای صحنه‌ای داشت و سپس ضبط تلویزیونی شد. این کار نوشته آقای احمد بیگدلی و

به کارگردانی آقای غلامرضا ضیاپور بود که هر دو در زندگی تئاتری من نقش به‌سزایی داشتند. سال ۵۳ برای اولین بار نمایش را به تهران آوردم. احساس ترس عجیبی از یکسو و خوشحالی از سوی دیگر برای ما وجود داشت. فکر می‌کردیم که اگر در تهران نتوانیم خودمان را نشان بدهیم شاید مطرح نشویم. خوشخانه این فکر صورت عمل به خود گرفت و این کار درخشید. در این کار با بسیاری از هنرمندان بستگی‌س آشنا شدم، یاد می‌آید که خانم جمیله شیخی ما را به عنوان بازیگر جوان نسرین کرد. چوب به‌دست‌های ووزیل اثر ساعتی و چهار صندوق بیضایی، ریل و کارهای دیگری به صحنه بردیم. در سال ۵۷، در بحبوحه انقلاب نمایش منتیل پا را در خرمشهر به روی صحنه بردیم که تأثیر زیادی در آن شرایط داشت. سال ۵۹ بود، نمایشی را به نام باغ موده زانو عبید تمرین کردیم و آماده شد برای ضبط تلویزیونی، که اولین خمپاره یعنی‌ها ساعت ۶ غروب در خرمشهر فرود آمده. کسی فکر نمی‌کرد جنگی در کار باشد، شدت انفجار به حدی بود که فکر کردیم کیسول گاز آتش‌نشانی در سالن منفجر شده است. بعد هم جنگ شروع شد و ما مجبور به مهاجرت شدیم. تا سال ۶۱ درگیر مسائل جنگ، آوارگی و مهاجرت بودیم. بالاخره دوباره به کار تئاتر مشغول شدیم، بیشتر در تئاترهای تلویزیونی و سریال‌های آسانسور، امیرکبیر، گرگ‌ها، همسایه‌ها، آرایشگاه زیبا، شاه‌شکار، رعنا و... آخرین کارم نیز نمایش تلویزیونی استپان بود که در ۵ قسمت از شبکه دوم پخش شد.

□ چطور شد که برای بازی در این سریال انتخاب شدید؟

■ بعد از سریال همسایه‌ها با من تماس گرفتند برای بازی در نقش عمار باسر و از همان زمان برای بازی در

این سریال نامزد شده بودم.

در مورد نقشی که بازی می‌کنید؟

■ از نقش خیلی خوشم می‌آید و به شدت به آن اعتقاد دارم، این البته به‌خاطر علاقه‌ای است که شخصاً به شخصیت مذهبی آقا امام حسین (ع) دارم. فکر می‌کنم کار خوبی شود. اما خوب به‌خاطر عجله‌ای که در مراحل اجرایی کار وجود دارد احتمالاً به کار لطمه خواهد خورد.

□ شما را در نمایش پیروزی در شیکاگو، آخرین بار دیدیم، چرا کار صحنه‌ای نمی‌کنید؟

■ مشکلاتی وجود دارد که تقطاً ما جماعت تئاتری آن را احساس می‌کنیم و برای رفع این مشکلات به قول معروف دست ما کوتاه و خرم بر نخیل من همیشه آرزو دارم که تشکیلانی، سازمانی، سندیکایی برای هنرمندان تئاتر به‌وجود بیاید تا از این قشر محروم حمایت شود که در این ملک هیچگاه به این سمت حرکت نشده است.

□ آقای مهرآرا، بازی‌های زیبای شما را در کارهای تلویزیونی دیده‌ایم، برای من این سوال پیش می‌آید که چرا تاکنون در کارهای سینمایی حضور نداشته‌اید؟

■ خودم هم پاسخ این سوال را نمی‌دانم. شاید بدشانی و یا قسمت نبوده است و یا... نمی‌دانم، متأسفانه اغلب کارهای سینمایی به روابط خاص بستگی دارد.

□ از کسانی که بازی کرده‌اید به کدام یک علاقه‌مندید؟

■ امیرکبیر و آرایشگاه زیبا، اولی به‌خاطر ملی بودن کار و فضای تاریخی و ایرانی آن و دومی برای اینکه روحیه شادی به مردم داد. در تئاتر پیروزی در شیکاگو به‌خاطر نارنگی و انرژی زیادی که به من داد.

آتش تفتی پور: بازیگر

۱. آگهی درباره خودتان بگوئید؟

■ آتش تفتی پور، زادگاه هروزق «پره» حوی، بزرگ شده اورمه محله مهدی‌القدم. اولین بار با حسن محمدزاده تئاتر را شروع کردم و از دانشکده هنرهای دراماتیک در رشته بازیگری و کارگردانی لیسانس گرفتم. زمانی اندک در کارگاه نمایش، باله ملی پارس به رهبری عبدالله ناظمی کار کردم. از رالف شاره آلمانی پانومم آموختم، همسر شهین علیزاده بازیگر تئاتر و سینماست. فرزندام احگر، شراره و آرتور اینک دیپلم گرفته‌اند و در دانشگاه درس می‌خوانند بعد از اتمام تحصیلات دانشگاهیم در رشته بازیگری و کارگردانی، به عنوان کارشناس تئاتر و سرپرست مرکز آموزش تئاتر به شهرستان‌های کرمانشاه، اصفهان، یزد و مهاباد اعزام شدم. با عزیزی در آن شهرها درس تئاتر را مرور کردیم، نوشتیم، کارگردانی کردیم، بعد از انقلاب به دلیل ادامه تحصیل همسر در رشته بازیگری و کارگردانی به تهران آمدم و در این عرصه در اداره تئاتر به فعالیت پرداختم. بیشتر بازی کردم و نمایشنامه‌ای نیز به نام گفتگوی شبانه نوشته فریدریک دورنمات را با ترجمه خوب مهبی به صحنه بردم و تجربه خانوادگی را به آزمایش گذاشتم و در کرج آموزش تئاتر دادم و در تهران و ...



۱. تئاتر شهرستان را چگونه می‌بینید؟

■ تئاتر شهرستان همچنان که شهرستانی‌ها از لحاظ امکانات مختلف آموزشی و بهداشتی و تفریحی و خیلی از مسائل در محرومیت هستند باستان، چند شهرستان انگشت‌شمار که گاه‌گداری چراغی روشن می‌شود و باز خاموش می‌شود و اگر هم روشنائی می‌بخشد به همت از خود گذشتگی هنرمندان آن دیار است. امروزه روزهایی به عنوان جشنواره و شرکت در جشنواره بادی از پاره‌ای از هنرمندان شهرستان می‌شود و در همان محدوده‌ی چند روز دور هم جمع می‌شوند با انبوهی از مشکلات، در پیش و پس باز هم راهی دیارشان می‌شوند با دلی اندوهگین، چرا که تئاتر جزو شخصیت آنهاست. وقتی به تئاتر ارزش داده نمی‌شود گویی به موجودیت آنها اعتنا نمی‌شود و اما

بعد از گله‌مندی و شکوه چه ناید کرد و چه می‌شود کرد:

الف: تولید و حمایت از منون نمایشی و نویسنده و نکثیر این متون و در اختیار گذاشتن آنها برای مطالعه، تمرین و اجرای هنرمندان شهرستان.

ب - محلی مناسب برای تمرین و سالن مناسب برای اجرا، که به راحتی هنرمند شهرستانی بتواند استفاده کند و خانه‌ی خودش بداند و بیشترین وقتش را در آنجا بگذراند.

پ - حمایت معنوی: ۱- اعزام کارشناسان تئاتر، ۲- اعزام گروه‌های خوب تئاتری برای اجرای تئاتر، به عنوان الگوی خوب برای کار و تشکیل جلسات نقد و بررسی آثار و این کار تنها مطلق نباشد بلکه مداوم این برنامه‌ها تکرار شود.

ت - جشنواره‌ها را در شهرستان‌های محروم‌تر برگزار کنند تا موجب گسترش تئاتر بین آحاد مردم شود.

ث - دعوت از گزیده‌ای از هنرمندان شهرستان‌ها جهت شرکت در سیمینارهای مقطعی و برنامه‌ریزی و تبادل تجربه و بررسی مشکلات.

ج - حمایت استانداری‌ها، شهرداری‌ها، ادارات فرهنگ و ارشاد، آموزش و پرورش و ... از تئاتر به عنوان یک عامل مهم آموزش تفکر، تفریح سالم و ادارات فرهنگ و ارشاد اسلامی کارشناسان دلسوز و «بدر همه» داشته باشد و رؤسائی چون آقای صوفی در همدان و ... که هنرمندش را چون فرزند خویش دوست داشته باشد و کمکش کند و درد و مشککش را درمان کند.

چ - و از همه مهتر سعی در برقراری ارتباط با مردم شهرشان بکنند. روال و رویه را طوری پیش بگیرند که مردم جذب تئاتر شوند در حالیکه ذوقشان لطیف‌تر شود و کار خوب و سالم را استقبال کنند. چرا که سرمایه‌ی اصلی تئاتر تماشاگر است و به همین خاطر یکی از ارکان تئاتر را تماشاگر می‌شناسند. تئاتر بی‌تماشاگر محکوم بقناست. البته این مقوله‌ای است که نیاز به همکار همگانی وسایل ارتباط جمعی دارد که سطح ذوق و پسند مردم را بالا ببرند نه اینکه آسان‌خواه و ساده‌پسند باشند.

۱. چه مشکلاتی را در راه تئاتر می‌بینید؟

■ هنرمندان شهرستان شاید بعضی وقتها نظرشان نباید که در تهران بهتر از شهرستان است. امکانات فراهم است، به راحتی می‌شود کار کرد و به راحتی می‌شود اجرا کرد. نه، همان مشکلات شهرستان کم و بیش در تهران هم هست. بطور کلی تئاتر را باید کسی که تئاتر می‌شناسد کار کند و دیگران هم در گوشه و کنار تجربه کنند نه اینکه کار نکنند باید هیچک از کارگردانان ما یکنار نمائند دلسوزی یک مسئول اداره در اینست که باید تک به تک سراع خانواده‌اش را بگیرد و بسند برادرش چرا کار نمی‌کند، باید دعوت کند. نظر خواهی کند و امکاناتی را فراهم کند تا بتواند کار کرد والا نشستن پشت میز و قبول سمت که تنها کارساز نخواهد بود. این آدمها که اینک کار نمی‌کنند سرمایه‌های این فرهنگ‌اند و اگر بکار گرفته نشوند خیانتی در حق فرهنگ و هنر این مملکت و این مردم شده است.

۱. چگونه شد که در این کار بازی کردید؟

■ با حسین مختاری و سیامک نیادی همکاری قبلی داشتم. بنابراین وقتی همدیگر را می‌شناسیم و می‌فهمیم، چرا ما هم کار نکنیم. با شناختی که مختاری از من داشت نقش زهیرین قیس یکی از یاران نزدیک امام را که همراه و همسفر و هم‌رمز اوست به من واگذار کرد.

۱. در مورد نقشی که بازی می‌کنید و ارتباط با آن؟

■ نقش را که برای اولین بار می‌خوانم اثری حسی و عاطفی و فکری در من می‌گذارد و در بیشتر لحظات کار همین برداشت در وجود من شکل می‌گیرد. کندی و تندی برخوردها در کار اصلاح می‌شود. به طور کلی شخصیت از گفتگوهای خود شخصیت و دیگر شخصیت‌ها پیدا می‌شود.

۱. روند کار را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

■ با اینکه این سریال در زمان کوتاهی ساخته می‌شود. اما تدارک و حمایت مضاعف از آن شده است و سیامک نیادی یکی از آن توانسندگان تولیدکننده است که توان عواملش را می‌شناسد و همین‌طور حسین مختاری در مقام کارگردان و باران فنی.

۱. نظرتان در مورد سریال چیست؟

■ کیفیت خوب همیشه با زمان زیاد حاصل نمی‌شود همانطور که کیفیت بد هم به دلیل زمان کم نیست نه به دلیل خوب تدارک نشدن و عواملی هماهنگ در کنار هم قرار نگرفتن است. حتی یک قسمت از یک گروه بزرگ می‌تواند در روند کار کندی ایجاد کند شاید زودتر شناخت و این نیروی ضعیف را قوت بخشید و یا جابجا کرد. چشم‌پوشی در کار کوتاه مدت و غفلت کردن از ناهماهنگی عوامل، نتیجه‌ای نادرست بیار می‌آورد. ما بیشتر کارهایمان را با عجله و درست در آخرین لحظات فوت وقت انجام می‌دهیم. همان وسواسی را که در کوتاه مدت داریم اگر در بلند مدت داشتیم مطمئناً کارهای بسیار خوبی تولید می‌شد.

۱. ارتباط با کارگردان و نحوه کار شما چگونه است؟

■ در اغلب کارها من نظرات کارگردان را می‌پذیرم و چون به کارگردانم اعتماد می‌کنم خودم را در اختیار خلافت او قرار می‌دهم و تمام کوششم بر این مناسبت می‌رود که طرح و فکر کارگردان پیاده شود و عملی گردد و این حق یک کارگردان است که خواسته‌اش روی صحنه دیده شود و یکی از وظایف بازیگر برآورده کردن این خواسته‌ی کارگردان است. اما وقتی احساس می‌کنم کارگردانم سردرگم است و در کارش تردید دارد و یا کارش را کمتر می‌شناسد متأسف می‌شوم که باید این کارگردان را با زجر و شکنجه تحمل کنم و دیگر فکر کار دوباره با این کارگردان را حتی بهر قیمتی باشد از سرم بیرون می‌کنم. و اگر غیرقابل تحمل باشد و احتمال سکته برام باشد خوب در هر جای تمرین حتی اجرا باشد تا اعلام قبلی آن کارگردان را ترک می‌کنم و عطایش را به لقایش می‌بخشم.

... در میان بازی‌هایی که ارائه داده‌اید، از کدام کارتان راضی‌تر هستید؟

■ **نسیب زبیر** در نسیبشنامه‌ی ازدواج آقای می‌سی‌سی‌پی نوشته‌ی فردریک دورنمات و وزیر در معماری ماهیار معمار نقش سلیمان صرد در یادگار سالیهای شن، المانک در مریم و مرد آویج، کاهن در ابادر.

... آخرین کار صحنه‌ای؟

■ **بهرام چوبینه** نوشته‌ی سیامک تقی‌پور کارگردان دکتر قطب‌الدین صادقی آخرین کارم بوده که نقش بزرگمهر حکمی وزیر را بازی کردم.

... در سینما هم فعالیت‌هایی داشته‌اید از کدام آنها بیشتر راضی هستید؟ و همینطور در تئاتر و تلویزیون؟

■ در سینما از کار با بزرگمهر رفیعا و بهرام بیضایی نظم و دقت و سرعت عمل را در کار آموختم. در تئاتر از کار با حمید سمندریان، دکتر علی رفیعی، رکن‌الدین خسروی جدیت و اهمیت داشتن حرفه و تعمق بیشتر در نقش و حضور ذهن در تمرین و اجرا را یاد گرفتم. و در تلویزیون از کار با اسدالله ایمن، رسول نجفیان، محمدعلی نجفی بسیار راضی بودم.

... پیامی اگر دارید یا حرفی که ناگفته مانده باشد؟

■ و اما شما که دست‌پنم دارید و ارتباط مستقیم با خوانندگان محله، باید در جهت حمایت بیشتر از هنر و هنرمند و نظیف دوی خوانندگان قلمشان را بکار اندازید، ارگانهایی را که باید برای هنر و هنرمند امکانات فراهم کنید بیشتر مطرح کنید رسانشان را متذکر شوید، با میزگرد با آنان با مصاحبه با شهردار، استاندار... این مردم سالم را دریابید که وقتشان بهتر مورد استفاده قرار گیرد تا گرایش‌های نادرست کمتر شود.

مرتضی ندرلو - فیلمبردار

در فاصله استراحت کوتاهی که برای تصحیح و بردسازی بود با مرتضی مذکور یکی از فیلمبردارهای سریال (خورشید بر خاکند) به گفتگو نشستیم.

... لطفاً خودتان را معرفی کنید؟

■ مرتضی ندرلو هستم. متولد سال ۱۳۳۶ با حدود دوازده سال سابقه فعالیت در تلویزیون - البته در این مدت چهار سالش را در واحد فیلم شبکه دوم فیلمبردار نیمایش بودم و بعد به واحد تصویربرداران (ویدئویی) آمدم. چندین فیلم تبلیغاتی هم ساخته‌ام.

... در این سریال مسئولیت گروه فیلمبردارها با کیست؟

■ این سریال به خاطر اینکه باید سریعاً آماده بخش شود با دو واحد بسیار و پرتابل بطور همزمان فیلمبرداری می‌شود و در واحد پرتابل دو سه فیلمبردار کار می‌کنند و فیلمبردار واحد بسیار هم هست و مسئولیت گروه اگر می‌تواند بنام بنده رقم خورده است.

... آقای ندرلو روند کار را چگونه می‌بینید؟

■ خیلی کند است.

... دیگران که معتقدند سرعت کار خوب است؟

■ شاید از نظر کمی اینطور باشد یعنی سرعت تصویربرداری زیاد باشد. اما آیا این سرعت در کلید زدن و ضبط تصویر کافی است؟ اگر تصویری از نظر فیلمسردارها از نظر کیفیت خوب نباشد و تذکر هم داده شود اهمیت نمی‌دهند و می‌گویند خوب است. البته در واحد پرتابل این اشکال کمتر است چون آقای فروتن هستند و به هر حال حساسیت روی تصاویر انتخابی دارند اما وقتی از سوی گروه هنری می‌گویند قابل قبول است دیگر کاری نمی‌شود کرد و متأسفانه این‌گونه کارهای ضرب‌الاجلی این مشکلات را هم دارد. یکی از علتها هم در برنامه‌ریزی مجموعه است. کار بزرگ است و حداقل شش ماه زمان برنامه‌ریزی و تدارکات لازم داشت. که متأسفانه اینطور نبود. و به این دلایل ما برتی وقت زیاد داریم.

□ از کار کردن با کدام کارگردان تلویزیونی راحت‌تر هستید؟

■ کار کردن با آقایان ساسان امیرپور، سعید فروتن و بیژن صمصامی راحت‌تر است.

آقای فروتن از راه می‌رسند و آماده‌باش می‌دهند. آقای ندرلو می‌گویند بگذارید مطلبی را



بگویم. مسئولین ما می‌دانند که ما دهه فجر داریم. عاشورا داریم، ایام عید داریم و برای هر کدام یکسال فرصت داریم که برنامه خوب بسازیم و ببینده خوب داشته باشیم ولی اینجوری واقعاً بودجه‌ها حیف و میل می‌شود.

خانم فتحیان - گریمر

... کمی درباره خودتان بگویید؟

■ به‌نام محبوب جهان و خالق زیبایی، اجازه می‌خواهم قبل از معرفی خودم وظیفه‌ای که هم‌اکنون به‌عهده دارم مختصری دیدگاه خودم را از شغلم بیان کنم تا سؤال شما را بهتر پاسخ داده باشم. چهره‌پردازی از زمره هنرهای آمیخته به علم و فن و تجربه است با



این بیان ملاحظه می‌فرمایید که به لحاظ علمی از طریق آموزش در سطوح مختلف قابل دستیابی و از لحاظ فن و تجربه، اکتسابی است و با مهارت و پیگیری و سخت‌کوشی دست‌یافتنی خواهد شد. البته همچنانکه اشاره کردم هنری هم هست که حتماً هر فردی باید زمینه‌های لازم را در وجودش داشته باشد تا با استفاده از این انگیزه‌های درون جوش بتواند به چهره‌پردازی بپردازد در حقیقت لازمه چهره‌پردازی برخورداری از علم و آگاهی، تجربه مفید، ذوق سرشار، شناخت تاریخ، و آگاهی و تسلط به ابعاد مختلف فیلمنامه است؛ این نگاه به‌موضوع بود که حدوداً هشت سال پیش، و پس از رقت حیرت‌برانگیز امام رحمة‌الله علیه و اطهاراتشان درخصوص چهره‌پردازی بازیگران زن و منع گریمرهای مرد از گریم خانم‌ها من هم گریجه تحصیلاتم در زمینه‌ای کاملاً متفاوت بود ولی با علاقه شدید درونی و استفاده از راهنمایی و تجارب دو تن از همکارانم به خانواده چهره‌پردازان سینما پیوستم در همین‌جا لازم می‌دانم از سرکار خانم آپون که آن زمان تصدی واحد گریم شبکه دوم سینما را به‌عهده داشتند و با مدیریت خوب خود راهنمایم بودند و همچنین از همکار مجرب و توانمند سرکار خانم نویدی که باید گفت از بهترین و شاید اگر مبالغه و نان فرض دادن مرسوم اداری ندانید باید بگویم در مقام ممتاز حرفه‌ای قرار دارند بادی کرده باشم.

... خانم فتحیان لطفاً درخصوص کارهایی که تاکنون داشته‌اید توضیح داده و بفرمایید به کدام کارتان بیشتر علاقه دارید؟

■ طی هشت سال گذشته علاوه بر امور جاری و روزمره واحد گریم شبکه دوم برنامه‌های مختلفی اعم از تئاتر و فیلم و سریال داشته‌ام که از جمله می‌توانم برنامه‌های مجموعه‌ای طنز از چخوف، پائیز عشق، فیلم عاطفه، تهیدستان و استپان را نام برم که همگی آنها بخش هم شده‌اند ولی کاری را که خودم بیش از همه دوست داشته‌ام کار در سریال سرزمین من و نقابداران بوده است البته این سریال همچنان در دست تهیه بوده است و مراحل نهایی ضبط و تدوین را طی می‌کند که طراحی بخشی از گریم این سریال را استادگرامیاب جناب آقای معریان به‌عهده داشتند.

□ نقش و تأثیر چهره‌پردازی در برنامه‌ها چگونه است؟

■ اجازه می‌خواهم در همین جا انتقادی صریح به دست‌اندرکاران مطبوعاتی داشته باشم متأسفانه مطبوعات ذریع در صنعت تصویر و امور ارتباطات و رسانه‌ها نتوانسته‌اند به نحوه شایسته جایگاه و تأثیر چهره‌پردازی را بیان کنند وقتی جامعه نداند چهره‌سازی و چهره‌پردازی چگونه به‌عنوان یک اصل مکمل و تعیین‌کننده و مؤثر می‌تواند در خدمت فیلمنامه و سایر عوامل در یک برنامه موفق قرار گیرد چگونه می‌تواند منزلت اجتماعی گریمر و چهره‌پرداز را بشناسد قبول کنید هنر هنرمندان چهره‌پرداز و عمق تأثیرگذاری آنها معرفی نشده است. اما لازم است نقش چهره‌پردازی را در یک جایگاهی ذهنی تصور کنید تا پاسخ سؤال شمارا داده باشم. مثلاً بازیگری که قرار است نقش فردی شجاع، سازنده و خستگی‌ناپذیر را ایفا کند در چهره‌پردازی فرد ابله، ترسو و منزوی ظاهر شود این تفاوت که با چند خط و سایه کاری غیرمحسوس برای بیننده تسمیر مطلع از پشت صحنه انجام می‌پذیرد چه تأثیری در کل کار ایجاد خواهد کرد چهره‌پردازی و همه ظرافت‌ش در همین عدم‌تفکیک بیننده از کارهایی است که روی بازیگر صورت گرفته است ولی آن جایگاهی که قرار شد در ذهن تصور کنیم چه آسیب جدی به کل کار خواهد زد امیدوارم توضیح لازم در پاسخ به سؤال شما داده باشم.

□ وضعیت فعلی گریمر در سینما و تلویزیون را چگونه می‌بینید؟

■ درخصوص وضعیت گریمر در سینما نظری ندارم و توصیه می‌کنم در این بخش از سؤال به گریمرهای سینما مراجعه کنید ولی در سینما، برای توضیح در این مطلب لازم است بگویم تلویزیون در قبل از انقلاب بیشتر به‌عنوان یک سازمان مستندساز تعریف می‌شد و تمامی دروس دانشکده سینما و تلویزیون در آن زمان روی همین اصل یعنی تولید مستندهای تلویزیونی متمرکز بود و سیاست‌گذاران وقت دوسله فیلم‌های غربی به‌ویژه آمریکایی را در دستور کارشان قرار داده بودند و به همین جهت واحد دوبلاژ تلویزیون به‌شدت ریشه کرده بود و واحد گریمر قبل از انقلاب بیشتر به آرایش و پیرایش و نه چهره‌پردازی مشغول بود ماجراهای پشت صحنه آرایش کسانی که به نوعی بر پرده تلویزیون‌ها ظاهر می‌شدند آن‌چنان تهوع‌آور و غیرقابل بیان است که دور از شان خود می‌دانم که حتی تکرار شود ولی بعد از انقلاب و تغییر سیاست برنامه‌های تولیدی و تکیه بر تولیدات داخلی به دلیل عدم وجود فیلم‌ها و برنامه‌های مناسب با ارزش‌های انقلاب و فرهنگ ایرانی واحد گریمر از اعتنا و توجه بیشتری برخوردار شد اما ما تاأسف باید اظهار کنم این توجه و عنایت بیشتر همراه با برنامه همه جانبه توأم نبود.

□ ممکن است توضیح بیشتری در این عدم برنامه که اظهار داشتید بفرمائید و چه پیشنهادی برای جبران و اصلاح وضعیت گریمر دارید؟

■ تا زمانی که نیروهای متعهد و خلاق به گریمر راه پیدا

نکنند مشکل همچنان باقی خواهد ماند و پیشنهاد می‌کنم که دانشکده صدا و سیما با استفاده از اساتید مطرح گریمر تربیت هرجویان در این بخش را هست لازم بنماید.

□ با تشکر از اظهار نظرهایی که در رابطه با گریمر داشتید حال در مورد این سریال که تا پاسی از شب و گاهی تا صبح مشغول به کار هستید توضیحاتی بفرمائید؟

■ جدای از انگیزه اعتقادی که نسبت به واقعه تاریخی عاشورا برام وجود داشته و همه مشکلات را به نوعی تحمل‌پذیر می‌کند باید بگویم زمان شروع چنین سریالی به هیچ وجه مناسب نبود اگر تلاش و پرکاری و دلسوزی فرد عوامل در این سریال نبود هرگز چنین تولیدی میسر نمی‌شد باید اعتراف کرد تمامی استانداردهای پذیرفته شده در تولید حداقل ۶۰۰ دقیقه برنامه برای بخش از اول محرم تا عاشورا با همان انگیزه اعتقادی دست‌یافتنی شده است تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل. من فکر می‌کنم برنامه‌های تولیدی برای مراسم ویژه که سیما هر ساله با آن روبروست می‌تواند و باید با پیش‌بینی و برنامه‌ریزی زمان‌بندی شده مناسب صورت‌پذیرد حداقل در مورد خودم می‌توانم بگویم اگر همکاری همسر به‌خصوص در زمان امتحانات فرزندم نبود هرگز نمی‌توانستم به این نحو همکاری داشته باشم صفت با دو ستم واحد سیار و یرتابی و فقدان دستار و هم‌رمانی کار با دو سیستم مذکور واقعاً طاق‌فرسا می‌باشد من شخصاً از زمان خواب و استراحت و رسیدگی به فرزندم کاسته و به کار پرداخته‌ام.

باور می‌کنید که بعضی اوقات تردید جدی پیدا می‌کردم که به وظیفه عمل کرده‌ام یا این‌گونه کار کردن منطقی دارد یا نه. به هر حال تجربه‌ای است که امیدوارم با رضایت بینندگان همراه باشد.

□ آقای منوچهر علیپور - بازیگر

□ آقای علیپور لطفاً مختصراً در باره فعالیت‌های هنری‌تان بگویند؟

■ هنر تئاتر را بطور تجربی کسب کرده‌ام از سال ۴۷ فعالیت بازیگری را شروع کردم و در چندین نمایش بازی کردم بعد چند سالی به‌خاطر سفر به خارج از کشور وقفه افتاد و در این مدت به تحصیل در رشته الکترومکانیک مشغول بودم.

از سال ۵۶ مجدداً کار بازیگری را از کارگاه نمایش از سرگرفتم اما اهم کارهایم بعد از انقلاب بود با نمایش اژدها به کارگردانی صدورالدین زاهد که در سالن چهارسو تئاتر شهر اجرا شد و با استقبال خوبی هم روبرو گردید، آغاز شد. در سال ۶۰ نمایش میرواب را به کارگردانی گریمر اکبری مبارکه به صحنه بردیم که حدود صد اجرا در تهران و شهرستانها داشتیم و چند اجرا هم در داخل یک ناو نیروی دریایی برای پرسنل نیروی دریایی داشتیم که تحربه بسیار خوبی بود. البته بیشتر فعالیتیم در تلویزیون است و چندتایی فیلم سینمایی هم کار کرده‌ام مثل فیلم‌های باغ سید به کارگردانی اسلاهللو و هنرپیشه به کارگردانی

مخملیاف و خیلی مایلم دوباره به صحنه برگردم و بازی کنم.

□ از چه سالی به سینما و تلویزیون آمدید؟
■ از سال ۵۹-۶۰ بود که به تلویزیون آمدم و تقریباً بطور مستمر کار کرده‌ام.

□ آقای علیپور چطور شد که برای بازی در این سریال انتخاب شدید؟

■ معمولاً اکثر دوستانم به من می‌گویند بدرد فیلمهای مذهبی می‌خوری. اولین کار مذهبی که باری کردم تئاتر بیعت برای شبکه ۲ بود که در رابطه با زندگی امام حسین (ع) بود و از آن به بعد در اکثر تئاترهای مذهبی افتخار داشتم که بازی کنم و برای این کار هم چون قبلاً با آقای بنیادی کار کرده بودم دعوت شدم.

□ آقای علیپور الان بیشتر از یک علت است که من اینجا هستم و شما گریمر شده آماده هستید ولی هنوز قسمت شما شروع نشده چرا؟ آیا مشکلی وجود دارد؟

■ ببیند من در سریال امام علی هم کار کرده‌ام که حدود ۲ سال طول کشید اما آنجا شاهد بودم که ۶ یا ۷ ماه قبل از شروع فیلمبرداری نذارکاش شروع شد و همه چیز طبق برنامه انجام می‌شد ولی در این کار حدود ۱۰ روز قبل از فیلمبرداری نذارکات شروع شد در حالی که حداقل سه ماه وقت لازم داشت پس برنامه‌ریزی خیلی مطلوب نیست. و این به دلیل ضرب‌الاجل بودن کار است عوامل جوی هم باعث شده تا کار با مشکل روبرو شود نمونه آن دیسب بود که به دلیل طوفانی شدن هوا ضبط تعطیل شد. البته کار با دو واحد سیار و یرتابیل همزمان صفت می‌شود و تمام عوامل تلاش بسیار دارند و بسیرت کار هم بد نیست.

□ چه نقشی در این سریال دارید؟

■ نقش مسلم این‌عوکه را بازی می‌کنم. و این نقش از آن نقش‌هایی است که خوشم می‌آید. در روید کار در قسمتی این شخص نداشتنه باعث می‌شود که مسلم این‌عقیل را که محضی شده بود لو بدهد. و به نظر من یکی از نقش‌های کلیدی است که اگر او محضی‌گاه مسلم را فاش نمی‌کرد، شاید فاجعه کربلا به گونه‌ای دیگر می‌شد.

□ از نقش‌هایی که تاکنون بازی کرده‌اید کدام را بیشتر می‌پسندید؟

■ در سریال یکی از روزها نقشی را بازی می‌کردم که خیلی دوست داشتم (نقش وزیر جنگ) و برای من تجربه خوبی بود. فیلمی هم دارم بنام ناده‌های شیر که هر سال شب ۲۱ رمضان از تلویزیون بخش می‌شود و آن نقش را هم خیلی دوست دارم. در مورد این فیلم مطلبی بگویم یکبار به خواهرم که در خارج از کشور زندگی می‌کند گفتم که این باز سوم است که این فیلم از تلویزیون بخش می‌شود گفت: خوبه هر بار که بخش شود پولش را می‌گیری. گفتن نه بابا تلویزیون یکبار پول می‌دهد ولی هر سال بخش می‌کند.



منوچهر بهروج (بازیگر)

دادیم. و البته یک مقدار بسیار مهمی را هم آقای لکرائی که از تیزه خوان‌های قدیم هستند، لطف کردند و در اختیار ما گذاشتند.

دانشکده هنرهای دراماتیک رقص و در رشته طراحی صحنه فارغ‌التحصیل شدم. البته همزمان با تحصیل طراحی دکور برای نمایش‌ها هم کار می‌کردم. حدود ۶ سال است به‌عنوان طراح لباس به تلویزیون آمده‌ام و قبل از این شش سال در سینما و تئاتر فعالیت داشتم. حالا طراح لباس سریال خورشید بر خاک هستم.

آیا آخرین فعالیت‌های سینمایی و تئاتری شما چه بوده است؟

■ در سال ۵۹ با آقای رجب محمدین در تئاتر بوسمن و لاکه در تالار مولوی اجرا شد همکاری داشته‌ام به‌عنوان طراح لباس و در سال ۶۰ در نمایش آن زمان فرا خواهد رسید به کارگردانی آقای هرمز هدایت همکاری داشتم و چون همزمان با کار آقای هدایت در سریال این سینما هم کار می‌کردم در کار آقای هدایت مسئول اجرایی دکور بودم و طراح دکور آقای خورشیدی بودم.

آیا چگونه به این کار دعوت شدید؟

■ توسط آقای موق به آقای بنیادی معرفی شدم و چون با آقای بنیادی قبلاً مجموعه نکته‌دان‌ها را کار کرده بودم مسئولیت طراحی لباس این سریال را پذیرفتم.

آیا چه مدت زمان داشتید برای طراحی و دوخت لباس‌ها؟

■ من پیشترها یک مجموعه طراحی لباس صدراسلام برای خودم کرده بودم. آنها را به آقای مختاری نشان دادم و ایشان هم پذیرفتند.



لطفاً کمی در مورد خودتان بگویید؟

■ منوچهر بهروج هجتم از سال ۵۰ کار بازیگری تئاتر را شروع کردم. در واقع الفبای تئاتر را از دانشگاه و بچه‌های دانشکده هنرهای زیبا آموختم. اولین کارم نمایش «خانه بارانی» بود در تالار مولوی به کارگردانی آقای احمد بوسی بعد از انقلاب کارهای زیادی داشتم که شاخص‌ترین آنها نمایش سوء تفاهم اثر آلبر کامو به کارگردانی آقای یونس بود و نوعی سکوی پرش برای من محسوب می‌شد. چند کار هم در جشنواره‌های تئاتر ارتش داشتم. از جمله نمایش «آدمی شیطان» نوشته آقای ابوالفضل و رمز یاز بود به کارگردانی خودم که برنده ۷ سکه بهار آزادی شد و دوست دارم به‌عنوان بازیگر هر سال حداقل یک یا دو کار خوب صحنه‌ای داشته باشم.

آیا بازیگری در تلویزیون چگونه است؟

■ از سال ۶۰ با مجموعه «سکوت و سقوط اکوان دیو» (شبهای ماساحوست) که در ۷ قسمت به کارگردانی آقای مهدی کشمیریان بود شروع کردم و بعد برای آقای رسول نجفیان در نمایش «عزیز گلاب‌خاتون» بازی کردم و از آقای نجفیان بسیار یاد گرفتم. در زمینه سینما هم چند کار داشته‌ام «آن سفر کرده»، «سامان»، «نقش عشق» و....

آیا آقای بهروج چگونه برای بازی در این سریال انتخاب شدید؟

■ من در سال گذشته در سریال حماسه اینار با آقای مختاری کار می‌کردم و در آن سریال نقش بسیار کوتاهی داشتم. و چندی قبل که در کاری بازی داشتم در شهرک سینمایی آقای مختاری برای دیدن لوکیشن همین سریال آمده بودند و مجدداً یکدیگر را دیدیم و دعوت کردند و بنده هم پذیرفتم. و نقش مصیبان عمرو را دارم که یکی از باران امام است.

جمال طاهری طراح لباس

لطفاً خودتان را معرفی کنید.

■ جمال طاهری هستم. متولد ۱۳۲۶، سال ۵۲ به

خوب اینهم از زرنگی‌های تلویزیون است. آقای علیپور در شرایط فعلی با توجه به کمبود دستمزدها در تئاتر، اگر پیشنهاد بازی در یک فیلم و یا بازی در یک نمایش را همزمان دریافت کنید کدام را ترجیح می‌دهید؟

■ (با خنده) اگر از دلم برسد می‌گویم با توجه به اینکه می‌داند تئاتر به اندازه یک فیلم سینمایی وقت آدم را می‌گیرد ولی حتماً بازی در صحنه را می‌پذیرم. چون کارم را با تئاتر شروع کرده‌ام و تئاتر را خیلی دوست دارم.

آیا حرف آخر؟

■ می‌خواهم به دست‌اندرکاران، به کسانی که تصمیم گیرنده در عالم تئاتر و سینما هستند بگویم به هنرمندان بیشتر اهمیت بدهند و آنها را حمایت کنند.

آیا کدام را هنرمندان سینما یا تئاتر اگر منظورتان حمایت مالی است که به‌هرحال وضع مالی سینمایی‌ها بهتر از تئاتری‌ها است؟

■ هر دو را، اینها از هم جدا هستند. نظرم بیشتر رفاه مالی بستن. ببینید اکثر هنرمندان خوب سینما یا تئاتری بوده‌اند. در سینما نه تنها وضع مالی بازیگران بالنسبه بهتر است که در سینما حرکت‌هایی هم در جهت حمایت از بازیگران شکل گرفته همین اینجمن بازیگران یا کانون کارگردان یا کانون فیلمنامه‌نویسان را ببینید. اما در تئاتر از این مسائل هیچ خبری نیست.

آیا به نوعی به ایجاد امنیت شغلی اعتقاد دارید؟

■ مسلم است. این امنیت شغلی باعث می‌شود هنرمند با دلگرمی بیشتری کار کند ببینید اگر امنست مثلاً من از اسب بلفتم و مجبور شوم سه ماه در خانه بمانم چه کسی می‌آید بگوید حالت چطور است و در این سه ماه من درآمدم و خرج زندگیم از کجا تأمین خواهد شد. البته قطعاً لطف دوستان در حد دلجویی مطلقاً هست ولی اصل مطلب نداشتن امنیت شغلی هنرمندان است.